

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده مطالعات اجتماعی
گروه جامعه‌شناسی نظری

پایان‌نامه کارشناسی ارشد گرایش پژوهش علوم اجتماعی

بازخوانی عاشورا در روایت‌های موازی معاصر

استاد راهنما:

دکتر سید جواد میری

استاد مشاور:

دکتر محمد سالار کسرای

پژوهشگر:

میر احمد سیدرضایی

بهمن ماه ۱۳۹۶

برگه ارزیابی پایان نامه

سپاسگزاری:

با درود فراوان به روح پر فتوح پدر بزرگووارم و همگامی مادر دلسوز و مهربانم که سجده ی
ایثارش گل محبت را در وجودم پروراند و دامن گهربارش لحظه های مهربانی را به من
آموخت .

با تقدیر و تشکر شایسته از استادان فرهیخته و فرزانه جناب آقایان دکتر سید جواد میری
و دکتر محمد سالار کسرایبی که با نکته های دلاویز و گفته های بلند ، صحیفه های سخن را
علم پرور نمودند و همواره راهنما و راه گشای نگارنده در اتمام واکمال پایان نامه بوده اند.

تقدیم به:

همسرم مهربانم به پاس قدر دانی ، که با قلبی آکنده از عشق و معرفت ، محیطی سرشار از سلامت ، امنیت و آرامش و آسایش برایم فراهم نموده و می نمایند.

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی بازخوانی عاشورا در روایت‌های موازی معاصر است. متفکران تاکنون فراخور دانش اسلامی و تاریخی خویش، درباره ابعاد قیام سیدالشهداء از جمله هدف اصلی این قیام و میزان مشروعیت یا مبانی شرعی آن از سویی و برخورداری نهضت یادشده از عقلانیت و خردورزی از سوی دیگر، به اظهار نظر و اتخاذ موضع پرداخته‌اند و دیدگاه‌ها و مواضع مختلفی را در این مورد ارائه کرده‌اند. در این تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی و باهدف بازسازی و واخوانی قیام عاشورا از منظر متفکرانی چون مطهری، شریعتی، صالحی نجف‌آبادی، جعفری، جعفریان و مکارم شیرازی، به بررسی و بازخوانی عاشورا در روایت‌های موازی معاصر پرداخته شده است. بر اساس مطالعات انجام شده یافته‌های تحقیق عبارت‌اند از: نقد و بررسی دیدگاه‌ها درباره عاشورا می‌تواند گفتمان ساز و مؤثر بر دیدگاه ما باشد. نگاه تاریخی صالحی به عاشورا و علت شهادت امام حسین(ع)، امروز ما را به ابعادی جدیدی از قیام عاشورا نزدیک می‌کند که به آن محتاج هستیم. شریعتی بستر واقعی از عاشورا را در مجاهدین خلق (حنیف‌نژاد و...) و انقلابیون مسلمان و حق طلب زمانه می‌دید و خود را زینب‌گونه تصویر می‌کرد و قصد نزدیک کردن اسطوره به تاریخ را داشت. نگاه مطهری به دلایل گوناگون تلاش دارد نگاه جریان قدرتمند مخالف حوزه را تحریک نکند و با تاریخ هم درگیر نشود. زاویه دید امام موسی صدر به عاشورا به دیدگاه مطهری نزدیک است و کربلا شکست مرزبندی‌ها برای حضور در عرصه حق است. مکارم، همچون مطهری، شهادت‌طلبی امام حسین (ع) را در سایه‌ی رسالت امر به معروف و نهی از منکر می‌داند. جعفریان، بر اساس و بنیان تبیین‌های عقلانی تاریخی و با توجه به عنصر آرمان و هدف در پدیده‌ی تاریخی مذکور، «نظریه‌ی دفاع» و «نظریه‌ی اصلاح» را مطرح نمود. جعفری، از جمله کسانی است که نگاهی جامعه‌شناسانه، زیبایی‌شناسانه انسانی و تکلیف‌گرایانه به عاشورا دارد.

کلیدواژه: عاشورا، روایت، امام حسین (ع)، معاصر

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات	۱
۱-۱- مقدمه	۲
۲-۱- بیان مسئله	۲
۳-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق	۵
۴-۱- اهداف تحقیق	۵
۵-۱- سؤال‌های تحقیق	۶
۶-۱- جنبه نوآوری تحقیق	۶
فصل دوم: مرور بر ادبیات موضوع	۷
۲-۱- مقدمه	۸
۲-۲- ادبیات تجربی	۸
۳-۲- ادبیات نظری	۱۲
۲-۳-۱- روایت	۱۲
۲-۳-۲- کارکرد روایت‌ها	۱۳
۳-۳-۲- تحلیل روایت	۱۴
۴-۳-۲- جایگاه تحلیل روایت	۱۵
۵-۳-۲- ساختارگرایی و تحلیل روایت	۱۵
۶-۳-۲- جامعه‌شناسی دین	۱۷
۴-۲- جمع‌بندی	۲۲
فصل سوم: روش‌شناسی تحقیق	۲۳
۳-۱- مقدمه	۲۴
۲-۲- روش تحقیق	۲۴
۳-۲-۱- روش گردآوری اطلاعات	۲۴
۳-۲-۲- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات	۲۵
۳-۳- پژوهش کیفی	۲۵
۴-۳- استنفورد و تحلیل روایت	۲۵

۲۵ روایت ۳-۴-۱
۲۷ روایت کردن و روایت ساختن ۳-۴-۲
۲۸ تحلیل روایت از منظر استنفورد ۳-۴-۳
۳۲ فصل چهارم: توصیف و تحلیل اطلاعات
۳۳ ۱-۴ مقدمه
۳۴ ۴-۲ عاشورا در روایت مرتضی مطهری
۴۹ ۳-۴ روایت محمدتقی جعفری
۵۴ ۴-۴ عاشورا در روایت شریعتی
۶۱ ۴-۵ عاشورا در روایت رسول جعفریان
۶۳ ۴-۶ عاشورا در روایت امام موسی صدر
۶۵ ۷-۴ عاشورا در روایت نعمت الله صالحی نجفآبادی
۷۲ ۸-۴ عاشورا در روایت مکارم شیرازی
۷۷ فصل پنجم: بحث، تفسیر و استنتاج
۷۸ ۵-۱ مقدمه
۷۸ ۲-۵ یافته‌های تحقیق
۸۵ ۳-۵ نتیجه‌گیری پایانی
۸۷ ۵-۴ محدودیت‌های تحقیق
۸۸ ۵-۵ پیشنهادها
۸۹ فهرست منابع

فصل اول: کلیات

۱-۱- مقدمه

بعد جامعه‌شناختی در پی این است که تأثیر نیروی جامعه را که نیرویی مستقل از تک تک افراد و خارج از کنترل هر یک از آنهاست بر کنش‌های افراد بسنجد و با اطمینان قابل قبولی بتواند وقایع اجتماعی اتی را پیش‌بینی نماید. به عبارت دیگر، «جامعه‌شناسی به دنبال یافتن قاعده کلی رفتار انسان‌ها است تا با کمک آن، توانایی پیش‌بینی و کنترل وقایع اجتماعی را بیاید و با به کارگیری تجربه علمی به کشف روابط میان پدیده‌ها نایل شود. پدیده عاشورا، از رخدادهایی بود که در تاریخ بشریت یا حداقل در تاریخ اسلام موجی عمیق و پردامنه پدید آورد، و همواره توجه بسیاری از اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان را به خود جلب کرده است. عاشورا به جهت اهمیت و اثر گذاری به اعتراف بسیاری از صاحب نظران و تحلیلگران برای همیشه، در تاریخ بشریت ماندگار شد و هیچ گاه در محدوده زمان و جغرافیای خاصی محصور نمانده است، بلکه همواره مورد توجه متفکران در دوره‌های مختلف قرار گرفته است.

۱-۲- بیان مسئله

روایت‌هایی که از واقعه عاشورا توسط اندیشمندان و نویسندگان شیعی ارائه شده است، روایت‌هایی اعتقادی، سوگیرانه، احساسی و خطاب‌ای است و در شناخت خود حادثه از نظر علوم اجتماعی و هم در شناخت سنت‌های فرهنگی اجتماعی‌ای که حول آن شکل گرفته، هنوز در آغاز راه هستیم. در این راه بیش از همه نیازمند مطالعات شناختی برای فهم این گفتمان هستیم، فهم اینکه مردم شیعی در حیات فرهنگی اجتماعی‌شان چه روایت‌ها و گفتمان‌هایی را حول این حادثه تاریخی ساخته‌اند، این روایت‌ها و گفتمان‌ها چرا و چگونه شکل گرفته‌اند، و چه نقشی در حیات اجتماعی آنها دارند. تا زمانی که ما این مباحث را دقیق و عمیق و بواسطه یک سنت مطالعاتی غنی مورد بحث قرار ندهیم، نمی‌توانیم آنچه را که نخبگان سنتی «تحریف» و نخبگان مدرن «غیرعقلانیت یا خرافه» می‌نامند، درست بشناسیم و در راه اصلاح آن گام برداریم. این مساله اهمیت دو چندانی خواهد داشت اگر دقت کنیم در جامعه مذهبی ایران هرگونه «اصلاح‌گری» (سنتی یا مدرن) باید از مسیر «اصلاح دینی» بگذرد، و فرهنگ و جامعه شیعی را وقتی می‌توان «اصلاح» کرد، که دین این مردم مورد نقد و باز اندیشی و اصلاح‌گری قرار گیرد، در غیراین صورت، همه یافته‌های نخبگان سنتی و مدرن، با آمدن نسیم محرم به سمت مردم، بی‌اثر خواهند شد. لذا لازم است قبل از هر چیزی این سنت مطالعاتی را شکل داده و به جای کلی‌گویی‌های مبتنی بر تجربه و داده‌های فردی، در جامعه علمی و حوزه

عمومی این مساله را به شیوه علمی مورد بحث قرار دهیم، تا قابل استناد و استدلال هم برای ما و هم برای دیگران باشد.

در این زمینه متفکران و شخصیت‌های متفاوت، از دیدگاه‌ها و با انگیزه‌های گوناگونی بدان نگریسته‌اند؛ به همین جهت شناخت روش‌ها و دیدگاه‌های هر یک از آن‌ها قابل توجه است. بر همین اساس آنچه در این رساله برای ما مهم می‌نماید؛ دیدگاه متفکران پیش گفته به عاشورا است. با تأمل در سخنان و منابع تاریخی و روایی و حدیثی آن‌ها می‌توان به نگرش‌ها و برداشت‌های آن‌ها از قیام امام حسین (ع) و اهل بیت آن حضرت پی برد.

متفکران معاصر مانند مطهری، صالحی نجف‌آبادی و... از واقعه عاشورا روایت‌های متفاوتی داشتند و هر یک از آن‌ها، ایده و دیدگاه خود را بیان کرده و به مخاطب القا کرده‌اند. این مسئله که آیا روایت‌ها، تفاوت‌های آشکاری باهم دارند یا خیر مسئله مورد نظر تحقیق حاضر است. در این تحقیق تحلیل روایت هفت تن از متفکران از جمله محمد تقی جعفری، صالحی نجف‌آبادی، شهید مطهری، مکارم شیرازی، رسول جعفریان، علی شریعتی و امام موسی صدر در نظر گرفته شده است.

نگاهی که جعفری به ریزترین مسائل دارد همه در پرتو دید فیلسوفانه‌اش بود. حال این فیلسوف، تصمیم می‌گیرد درباره یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ بشری که عاشورا باشد دست به تألیف ببرد؛ «امام حسین (ع) شهید فرهنگ پیشرو انسانیت» حاصل این تأملات است. علامه جعفری در جمله جمله این کتاب داستان عاشورا را دستمایه قرار می‌دهد برای اثبات اختیار، دید دقیق اسلام به حقوق بشر و آزادی، واکاوی اساطیر و... گاه در مقام یک انسان به شدت از این حادثه و رنجی که بر فرزند آدم می‌رود، متأثر شده و گاه به‌دوراز احساس، عقل را برای بازخوانی حادثه فرامی‌خواند. «حاضر بودم تمام زندگی‌ام را بدهم تا مردی چون ویکتور هوگو درباره امام حسین (ع) مطلب بنویسد». این جمله را کسی می‌گوید که به مقام سخن‌آشناست و خودش از سخنوران نامی شرق بوده است؛ علامه محمدتقی جعفری. «امام حسین (ع) شهید فرهنگ پیشرو انسانیت» مجموعه‌ای از بیانات علامه جعفری است که دو بخش را شامل می‌شود: «کتاب اول» (نیمه نخست کتاب) نوشته‌های خود علامه است و «کتاب دوم» پیاده شده سخنرانی‌های ایشان در شب‌های محرم سالیان متمادی. علامه می‌خواهد نخست ذهن مخاطبش را در خصوص چیستی زندگی و طریقه حیات معقول (که از مفهوم قرآنی حیات طیبه اخذ کرده است) آشنا سازد. در بخش نخست از کتاب اول به سراغ حکمت خدا و حکمت داشتن آفرینش می‌رود. بخش دوم اختصاص به اثبات عظمت الهی حیات دارد و ارزش حق حیات را بررسی می‌کند تا در برابر این کلمه مفهوم شهادت و گذشتن از جان برای ارزشی والا روشن‌تر شود. در بخش سوم، علامه جعفری سراغ مباحثی در فلسفه تاریخ رفته و ملاک‌های شناخت و داوری صحیح در مورد حوادث تاریخی را بررسی می‌کند. وی در این بخش شرط قضاوت صحیح در

خصوص وقایع تاریخی را داشتن اطلاعات را به ثابت و متغیر تقسیم‌بندی می‌کند. بخش بعدی به شناخت صحیح از حیات انسانی و توجیه این حیات به هدف اعلا مربوط می‌شود.

صالحی نجف‌آبادی در کتاب «شهید جاوید» بیان می‌کند که به دنبال روشی متفاوت برای بررسی قیام امام حسین (ع) است: «قیام آن حضرت باید بر اساس موازین عادی بررسی شود، از این‌رو کتاب حاضر نهضت عظیم حسین بن علی علیه‌السلام را از نظر مجاری عادی و با صرف‌نظر از علم غیب امام بررسی کرده است» (مقدمه کتاب شهید جاوید). او به دنبال آن بود تا به‌جای نگاهی کلامی به عاشورا، نگاهی تاریخی را در پیش بگیرد. در مقدمه کتاب شهید جاوید آمده است: «حکومت عدالت کش معاویه با مرگ وی به پایان رسید و یزید بن معاویه هنوز جای خود را محکم نکرده و بهترین فرصت پیش‌آمده است که مردم آزادی‌خواه نیروهای خود را متشکل کنند و خلافت اسلامی را به مرکز اسلامی خود برگردانند. بدیهی است برای برگرداندن خلافت به مرکز اصلی خود، قبل از هر چیز وجود رهبری لایق لازم است که در پرتو لیاقت و محبوبیت خویش برای این کار اقدام کند و لایق‌ترین شخص امام حسین (ع) است».

مطهری در کتاب حماسه حسینی که شامل ۵ سخنرانی از ایشان است، در ردیف دیگر آثاری که به ابعاد سیاسی و اجتماعی حادثه عاشورا پرداخته‌اند قرار دارد و در تثبیت نگاه نو به نهضت امام حسین (ع) نقش عمده‌ای دارد. این کتاب الهام‌بخش این واقعیت است که حادثه عاشورا از ظرفیت‌های فراوانی برخوردار است که می‌تواند در پربار کردن اخلاق و رفتار مخاطبان مؤثر باشد. شهید مطهری در این سخنرانی‌ها نشان می‌دهد که می‌توان هم‌زمان نگاه عقلانی، نقادانه و عاطفی به حادثه عاشورا داشت به‌گونه‌ای که هیچ‌یک جای دیگری را تنگ نکند.

مکارم شیرازی در کتاب «عاشورا: ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها» در ارتباط با قیام امام حسین (ع) که از ریشه‌ها و انگیزه‌ها شروع شده و سپس به بیان اصل وقایع از منابع معروف و معتبر پرداخته و سرانجام، آثار گسترده و ثمرات این قیام را بیان می‌کند.

رسول جعفریان در کتاب «تأملی بر نهضت عاشورا» خواسته به مسائلی که در زمینه عاشورا مطرح است به‌صورت جامع و گذرا به‌تمامی آن‌ها بپردازد و با احاطه‌ای که در این زمینه دارد توانسته کتابی مختصر و جامع را پدید آورد که خواننده با مطالعه آن نسبت به‌تمامی ابعاد عاشورا اطلاع پیدا کند. آن چیزی که نویسنده در این کتاب به دنبال آن است ارائه گزارشی صحیح و مستند از واقعه عاشورا و اربعین حضرت و بررسی حکمت و آثار قیام و شهادت حضرت است که ناگزیر برای این هدف به بررسی منابع دسته اول عاشورا و تحریفاتی که در این زمینه اتفاق افتاده به‌صورت مختصر پرداخته است.

حسین وارث آدم، کتابی از علی شریعتی، حاوی هشت سخنرانی ایرادشده در سال‌های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ شمسی در حسینیه ارشاد. عنوان کتاب، از زیارت وارث الهام گرفته شده است. سخنرانی‌های این کتاب، ابتدا در جزوه‌های مستقل منتشر شده و بعدها در یک مجلد چاپ شده است. مرتضی مطهری، انتقادهایی جدی به تحلیل شریعتی از واقعه کربلا وارد کرد و این کتاب را نوعی روضه مارکسیستی خواند.

کتاب «سفر شهادت» دربردارنده گفتارهای امام موسی صدر درباره قیام عاشورا و ابعاد و نتایج و پیامدهای این نهضت است. موسی صدر در این گفتارها تلاش می‌کند تا پیش‌زمینه‌های این واقعه و اهداف امام حسین را از این حرکت روشن کند. نقش و تأثیر حضرت زینب نیز در گفتارهایی از این کتاب بررسی شده است. صدر تلاش دارد که با درس‌آموزی از این واقعه مسائل جامعه لبنان و شیعیان را حل کند. به همین سبب، او این واقعه سال ۶۱ هجری را به تاریخ پیوند می‌زند و آن را یکی از حلقه‌های تقابل حق و باطل قلمداد می‌کند.

با توجه به نظر و دیدگاه‌های گوناگون درباره واقعه عاشورا در زمان کنونی و بعد از عاشورا، سعی بر آن شده ضمن بررسی مهم‌ترین پیامدهای نهضت حسینی، به بازخوانی آن پیام‌ها در روایت‌های موازی معاصر از منظر علی شریعتی، شهید مطهری، مکارم شیرازی، صالحی نجف‌آبادی و علامه جعفری و... پرداخته شود تا کارایی الگوی حسینی را، در مقایسه با سایر الگوهای معاصر، در دستیابی به حق مشخص و برجسته سازد. بدین منظور، یکی از سؤال‌های اصلی نگارنده در این تحقیق آن است که مهم‌ترین پیامدهای عاشورا در روایت‌های موازی معاصر چیست؟ و بین دیدگاه‌های اندیشمندان اسلام چه تفاوت و شباهت‌هایی وجود دارد؟

۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

واقعه عاشورا، افزون بر جنبه تاریخی، تاثیری است که این واقعه بر هویت شیعی گذاشته است، بر همین اساس مورخانی چند در هر عصر و دوره‌ای به بازخوانی و بازنویسی واقعه عاشورا می‌پردازند، بازنشاسی تفکر اجتماعی، مذهبی و... روایت متفکران پیش گفته می‌تواند نشان‌دهنده ایده‌های گوناگون درباره عاشورا باشد. این تحقیق با ارائه و بررسی هفت روایت از متفکران مذکور، به تبیین و بررسی این مهم پرداخته است. با توجه به اینکه تاکنون تحقیق مدونی در این زمینه انجام نشده است؛ این ضرورت پیش‌آمده است تا به بازنشاسی این مسئله پرداخته شود.

۱-۴- اهداف تحقیق

هدف از این پژوهش بررسی بازخوانی عاشورا در روایت‌های موازی معاصر می‌باشد. با توجه به اینکه روایت‌هایی که از واقعه عاشورا توسط اندیشمندان و نویسندگان شیعی ارائه شده است، روایت‌هایی

اعتقادی، سوگیرانه، احساسی و خطابه‌ای است در این تحقیق سعی شده به بررسی بازسازی و واخوانی قیام عاشورا از منظر متفکران مذکور با توجه به روایت‌های مختلف، بررسی آثار و پیامدهای قیام عاشورا از منظر آنها و همچنین تشریح و تبیین تفاوت‌ها و شباهت‌های قرائت‌های آنها درباره واقعه عاشورا پرداخته شود.

هدف اصلی

شناسایی نحوه بازخوانی عاشورا در روایت‌های موازی معاصر

اهداف فرعی

۱. شناسایی بازسازی و واخوانی قیام عاشورا از منظر متفکران پیش گفته
۲. شناسایی آثار و پیامدهای قیام عاشورا از منظر متفکران پیش گفته
۳. تشریح و تبیین تفاوت‌ها و شباهت‌های قرائت‌های متفکران پیش گفته در باره عاشورا

۱-۵- سؤال‌های تحقیق

سؤال اصلی

بازخوانی عاشورا در روایت‌های موازی معاصر چگونه است؟

سؤال‌های فرعی

۱. بازسازی و واخوانی قیام عاشورا از منظر متفکران مذکور چگونه است؟
۲. آثار و پیامدهای قیام عاشورا در زمان کنونی از منظر متفکران مذکور چگونه است؟
۳. این روایت‌ها چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با همدیگر دارند؟

۱-۶- جنبه نوآوری تحقیق

یکی از مباحث مطرح میان متفکران اسلام، نهضت امام حسین و فلسفه این قیام تاریخی است. علما تاکنون فراخور دانش اسلامی و تاریخی خویش، درباره ابعاد قیام سیدالشهداء از جمله هدف اصلی این قیام و میزان مشروعیت یا مبانی شرعی آن از سویی و برخورداری نهضت یاد شده از عقلانیت و خردورزی از سوی دیگر، به اظهار نظر و اتخاذ موضع پرداخته‌اند و دیدگاه‌ها و مواضع مختلفی را در این مورد ارائه کرده‌اند، اما تاکنون بررسی و مقایسه جامع نظرات متفکران مذکور تاکنون انجام نشده است، از این نظر تحقیق حاضر دارای جنبه نوآوری است.

فصل دوم: مرور بر ادبیات موضوع

در ابتدای این فصل، ابتدا آثار و پژوهش‌هایی را معرفی و بررسی خواهیم کرد که پیش‌ازاین به موضوعاتی مشابه به موضوع پژوهش ما پرداخته‌اند. پس‌از آن در ادامه، ادبیات نظری مرتبط با موضوع پژوهش موردبررسی قرار خواهد گرفت. نگارش این فصل ضروری می‌نماید چراکه در این مرحله از تحقیق است که فضای تئوریک تحقیق مهیا می‌گردد. در این قسمت از پژوهش تئوری‌ها و رویکردهای مختلف در خصوص پدیده مورد مطالعه بررسی می‌گردند که برآیند آن، غنای معرفت علمی پژوهشگر و آماده‌سازی چارچوب نظری طرح است؛ به همین دلیل، محقق در این مرحله با استفاده از مطالعات خود در مرحله قبل، یکی از تئوری‌ها را انتخاب می‌کند و پشتوانه نظری خود قرار می‌دهد و یا از طریق بازسازی عقلانی مفاهیم اساسی تئوری‌ها و یا ترکیب آن‌ها، تئوری جدیدی را با ساختار مفهومی متناسب با مسئله پژوهش می‌سازد.

۲-۲- ادبیات تجربی

روایت‌هایی که از واقعه عاشورا توسط اندیشمندان و نویسندگان شیعی ارائه شده است، روایت‌هایی اعتقادی، سوگیرانه، احساسی و خطابه‌ای است. به همین سبب نیز لازم است مساله نقد گفتمان کربلا، قبل از هر چیزی ابزارهای لازم را جهت گسترش نگاه عقلانی به این مساله و تاثیرگذاری خود فراهم کند. یکی از مهمترین این مسائل نشر آثار تحلیلی از منظر علوم اجتماعی درباره حادثه کربلا و گفتمان کربلاست. که متأسفانه این آثار در مقابل اهمیت و گستردگی موضوع در جامعه ایرانی، بسیار اندک و ناچیز است و شاید نیز به یک مفهوم هنوز اثر جالب توجهی در این رابطه وجود ندارد. در این نوشتار به بررسی چند کتاب در این باره و مرور اجمال آنها خواهیم پرداخت.

کتاب

۱. کتاب «جامعه‌شناسی قیام امام حسین و مردم گونه» اثر عمادالدین باقی (۱۳۷۹) که به اذعان نویسنده «شاید بتوان گفت از این منظر (جامعه‌شناختی) نخستین اثر در این زمینه است و ... (مقدمه کتاب) سعی کرده نگاهی جامعه‌شناختی به حادثه کربلا داشته باشد و نیروهای اجتماعی و سیاسی و فرهنگی دخیل در شکل‌گیری این حادثه را شناسایی کند و تبیینی از آن دوران ارائه دهد. از آنجا که یکی از مهمترین ارکان تبیین جامعه‌شناختی، تبیین امر اجتماعی، بواسطه امر اجتماعی است، این کتاب تلاش داشته ابعاد اجتماعی این حادثه را مورد کاوش قرار دهد. این کتاب حاوی چهار نوشتار است که در فصل اول به جامعه‌شناسی قیام امام حسین و مردم کوفه پرداخته و سعی کرده «جنبش امام حسین را در ساختار سیاسی و اجتماعی آن دوره بررسی کند و تحلیلی عقلانی از این رخداد ارائه بدهد. در فصل دوم، در مورد کارکردهای عاشورا، نویسنده سعی

کرده با رویکرد کارکردگرایانه، به کارکردهای مثبت که در روایتی کلیشه‌ای از این نظریه (حفظ همبستگی، حفظ ارزش‌ها و تداوم و ...) وجود دارد، اشاره کند. در فصل بعدی به «اربعین فلسفه تکرار و فصل رویش» و در فصل آخر «مدل تحقیقی عاشورا با الهام از والعصر» را بیان کرده است.

هر چند نمی‌توان عملاً این کتاب را اولین کتاب جامعه‌شناختی که دارای تحلیل‌های جامعه‌شناختی از این واقعه است دانست، زیرا آثار کسانی مثل شریعتی، مطهری هر چند با عنوان صریح جامعه‌شناسی عاشورا نیستند، اما نکات بسیاری، بالاخص رویکرد جامعه‌شناسانه شریعتی داشته و دارند. به هر حال این کتاب به ادعای نویسنده می‌تواند آغازی در این راستا باشد. اما همچنان دغدغه سیاسی نویسنده در تحلیل و انتشار این کتاب اهمیت اصلی را دارد. البته رابطه گفتمان کربلا و امر سیاسی رابطه‌ای پیچیده و چندبعدی است که مجال دیگری را می‌طلبد.

۲. کتاب بعدی با عنوان «جامعه‌شناسی تحریفات عاشورا» نوشته دکتر سیدعبدالحمید ضیائی (۱۳۸۴) است که نویسنده تلاش کرده نگرش انتقادی آسیب‌شناختی به روایت‌های کربلا داشته باشد. به نظر می‌رسد تلاش نویسنده در اصل تاکید بر نگاه عقلانی به عاشورا و عقلانیت در آن است. این کتاب با رویکرد انتقادی عقلانی، بخوبی حواشی و اضافات تاریخی روایت کربلا را بیان کرده و نقاط عاطفی که این افزوده‌های تاریخی را بدین گفتمان افزوده، نشان داده است، اما نکته اصلی در اینجاست که این کتاب را شاید در اصل نتوان کتابی جامعه‌شناختی، در معنای دقیق کلمه دانست، زیرا نویسنده، بی‌آنکه رویکرد و نظریه جامعه‌شناختی صریح خاصی داشته باشد، سعی نکرده مساله عاشورا یا آنچه که بدون بیان معیار جامعه‌شناختی، تحریف نامیده، را با ارجاع به امر اجتماعی تبیین و تحلیل کند، بلکه با ارجاع به معیارهای عقلانی در ذهن نویسنده به نقد آنها پرداخته است. و البته در این کار بسیار هم موفق بوده است. همانطور که گفته شد، این کتاب نکات ارزشمند بسیاری در باب تحولات تاریخی گفتمان کربلا در بردارد، اما دغدغه عقلانیت در ذهن نویسنده او را بیشتر معطوف به بازخوانی عقلانی و پیرایش عقلانی روایت‌های این گفتمان و متون ادبی مربوط به آن کرده است. به هر حال همچنان رویکرد نخبگان برای نقد عقلانی داشته‌ها و باورهای دینی مردم در این کتاب سیطره دارد. اما پاسخی به این سوال جامعه‌شناختی داده نشده که چرا مردم چنین باورهایی را می‌سازند و این باورهای چه نقشی در زندگی آنها دارد؟. به نظر می‌رسد این سوال مبنای بازخوانی انتقادی گفتمان کربلا باشد، سوالی که عموماً مغفول می‌ماند.

۳. کتاب سوم، با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی واقعه کربلا» نوشته شمس‌الله مریجی است که در سال (۱۳۸۶) توسط موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی منتشر شده است. این کتاب با تاکید بر مفهوم تغییر اجتماعی، سعی کرده که تبیین با رویکرد تغییرات اجتماعی برای چرایی رخداد عاشورا فراهم کند. اما نکته اصلی در این کتاب این است که این کتاب بیش از آنکه یک کتاب

جامعه‌شناختی و تحلیلی باشد، یک کتاب کلامی اعتقادی است که نویسنده سعی کرده مفاهیم علوم مدرن را چاشنی کار کرده تا پیش فرض اعتقادی خودش را در زبان علوم اجتماعی بیان کند، این کتاب که لحن خطابه و منبر در آن وجود دارد، به صراحت خود نویسنده، نقطه آغازین خاصی دارد که مبدا و منتهای کتاب و غایت نوشتن آن را صریحاً بیان کرده است. «ما (نویسنده) جریان سقیفه را به عنوان نخستین گام و اصحاب سقیفه را مهمترین عامل و کارگزار در جهت تغییر ارزش‌ها می‌دانیم... دگرگونی، جامعه نبوی را تا آنجا در نوردید که پس از نیم قرن، مردمی که خود را امت محمد (ص) می‌نامیدند، در سرزمین کربلا جنایتی انجام دادند که زمین و آسمان در عزای مصیبت آن تا قیامت مویه کنان‌اند و به اعتقاد ما ریشه این دگرگونی و تحول را باید در سقیفه جستجو کرد...» (همان کتاب).

۴. کتاب چهارم با عنوان «روان‌شناسی اجتماعی نهضت عاشورا» نوشته حسن احمدی (۱۳۸۳) است که عملاً مشابه کتاب قبلی است. نویسنده سعی کرده در جستجوی نظریه اجتماعی اسلام درباره امور مختلف، بالاخص انقلاب باشد، که عموماً رویکرد امر بین‌الامرین را انتخاب کرده است. این کتاب نیز با لحن خطابه و منبر نوشته شده و فقط مقداری گفتارهای روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی را به حاشیه کار جهت زیبایی افزوده است. وجه اشتراک کتاب‌های احمدی و مریجی، در زبان دینی و کلامی آنهاست. مولفین در مواقع توصیف و تحلیل نخواستند یا نتوانسته‌اند احساسات دینی خود را کنار گذشته و عموماً با منطبق حق/ باطل، ایمان/ کفر، حقیقت/ دروغ به بیان مساله و تحلیل آن پرداخته‌اند و دلایل نهایی در تحلیل که دلایل کلامی و اعتقادی هستند، نه دلایل جامعه‌شناختی، صریحاً هم در این فضا بیان شده‌اند.

مقاله

عسگری (۱۳۹۲)، در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «بررسی علل جامعه‌شناختی و روانشناختی مواضع شیعیان و رهبران آنها در مقابل حکومت اموی پس از فاجعه کربلا»، شهادت امام حسین (علیه السلام) و حوادث سیاسی و اجتماعی پس از آن تا پایان حکومت اموی برای جامعه شیعه از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. چراکه در این برهه زمانی شیعیان از یک سو در وضعیتی بسیار بحرانی به سر برده و از سویی دیگر پرچمداری مخالفت با حکومت را در دست داشتند. در چنین شرایطی است که رهبران شیعه تحت تاثیر عوامل گوناگون به اتخاذ مواضع متفاوتی در مقابل جامعه و حکومت دست زدند. ارائه الگویی جامع یا حتی به نسبت جامع از علل اتخاذ مواضع متفاوت توسط شیعیان، که شامل همه مولفه‌های درون دینی و برون دینی باشد؛ بسیار دشوار می‌نماید. نتیجه حاصل از این پژوهش شناخت و بررسی عوامل اجتماعی و روانی موثر بر موضع‌گیری شیعیان از قبیل تاثیر

برخورد حاکمان، شخصیت و روحیه سیاسی رهبران، رقابت های قومی قبیله ای و رواج فضای مهدی گرایانه در جامعه می باشد.

رئیس الساداتی (۱۳۹۴)، در پایان نامه ای تحت عنوان «بررسی ریشه های جامعه شناختی نهضت عاشورا»، از منظر جامعه شناسی هر پدیده اجتماعی بر آیند شرایطی است که در جامعه و دوره خاصی وجود داشته است، از این رو برای تبیین جامعه شناختی نهضت عاشورا به زمینه های اجتماعی این نهضت در یک دوره تاریخی یعنی ۶۱ سال اول تاریخ هجری قمری مورد بررسی قرار گرفته است. زیرا شرایط اجتماعی که به انقلاب عاشورا منجر شد یک باره پدید نیامده و ریشه در تحولات اجتماعی قبل تر داشته است. البته فهم تحولات جامعه اسلامی بعد از هجرت در گرو مطالعه پیش از اسلام و دوره ۱۳ ساله اول ظهور اسلام در مکه است. پرسش اصلی تحقیق این است که چگونه جامعه اسلامی با مختصات که در زمان پیامبر داشت پس از ۶۰ سال به شرایطی رسید که عامل شهادت فرزند و در عین حال جانشین برحق و مقبول او البته در بدترین شکل قابل تصور شد.

کاهیرده (۱۳۸۸)؛ در پایان نامه ای تحت عنوان «نگاهی جامعه شناختی به تحول نقش واعظ و مداح در اجرای مناسک عاشورا»، بیان هیچ جامعه بشری وجود ندارد که نیاز به نگاه داری و تثبیت کردن دوباره احساسات و اندیشه های جمعی بی را که سازنده وحدت و شخصیت وی هستند در مراحل منظمی از زمان در خود احساس نکند. . پیداست که این گونه بازسازی اخلاقی جز به مددگردهمایی ها، بر پای میجامد عمومی و کنگره هایی که افراد در آنها، با نزدیک شدن هر چه بیشتر به یکدیگر، احساسات مشترک خویش را به صورت مشترک دوباره تأیید و تثبیت میکنند میسر نیست. مناسک عزاداری عاشورا از جمله این گردهمایی هاست که از دیر باز در تمامی جوامع شیعی برپا می شده است. در واقع اجرای مناسک عزاداری عاشورا، به منظور حفظ و نگهداری یک سری از مفاهیم و ارزشهای دینی و اخلاقی و انتقال آن به نسل های آینده، به صورت منظم در طی قرون متمادی، صورت گرفته است. البته برای اجرای این مناسک هیچ الگوی واحدی وجود ندارد و بیشترین ارجاعات این عزاداریها مربوط به امامان شیعه است که سفارش به اقامه عزا برای امام حسین (ع) نموده اند و دستور و احادیث خاصی در باب صورت و شکل و عناصر مادی عزاداری وجود ندارد، لذا هر یک از جوامع شیعی بر حسب سنتهای فرهنگی خویش و ابزارهای موجود، الگوهای عزاداری را شکل داده اند.

۲-۳- ادبیات نظری

در این بخش از تحقیق ابتدا به تعریف مفاهیم اساسی و نظریات به کار رفته در این پژوهش خواهیم پرداخت. پس از توضیحات اولیه مختصر اشاره‌ای به نحوه به کارگیری این مبانی نظری خواهیم پرداخت.

۱-۳-۲- روایت

با توجه به این که این پژوهش با استفاده از روش تحلیل روایت انجام می‌گیرد، به تعریف این مفهوم پرداخته می‌شود. مایکل جی تولان، روایت را توالی از پیش‌انگاشته شده رخدادهایی که به طور غیرتصادفی به هم اتصال یافته اند تعریف کرده است که برطبق آن، هر روایت دو ویژگی دارد: علیت و زمانبندی. تعریف ایجابی و حداقلی از روایت، توالی غیر تصادفی رخدادهای زنجیره مانند است. رخداد، وضعیت مفروضی را پیش فرض می‌گیرد که چیزی باعث تغییر در آن وضعیت پیش بینی شده است. توالی غیر تصادفی، حاکی از ارتباط هدفمند رخدادهاست، بنابراین روایت سازماندهی رابطه امور متوالی است که دارای عناصری مشترک بوده و مبتنی بر تغییر وضعیت ها باشد. رابطه ی هدفمند میان وضعیت ها بر تشخیص گوینده یا مخاطب استوار است (تولان، ۱۳۸۳: ۷۱).

با وجود آنکه ما در روایت ها غوطه وریم اما کمتر به آن ها فکر می‌کنیم. از نخستین روزهای حیاتمان در معرض روایت قرار داریم، ترانه ها و اشعار ساده ای که در دوران خردسالی فرا می‌گیریم و تکرار می‌کنیم، همه از انواع روایت به شمار می‌روند. حتی مرگ ما نیز در روایت ها ثبت می‌شود. چرا که آگهی ترحیم نیز نوعی روایت است (آسابرگر، ۱۳۸۰: ۱۶) آسابرگر معتقد است که روایت یک داستان است و داستان ها از آنچه برای آدم ها، حیوانات، موجودات بیگانه و... اتفاق می‌افتد، می‌گویند؛ یعنی داستان، زنجیره ای از رخدادها را دربر می‌گیرد. به معنای بهتر، روایت ها در چهارچوب یا طی نوعی دوره زمانی صورت می‌گیرند که این دوره زمانی ممکن است بسیار کوتاه، همانند یک قصه کودکان باشد یا بسیار طولانی آن طور که در مورد برخی رمان ها و حماسه ها مصداق دارد (همان: ۲۲).

استون (۱۹۷۹) روایت را سازمان دهی مطالب در یک ترتیب متوالی تقویمی و متمرکز ساختن محتوای مطالب در حول یک داستان منسجم می‌داند. دسته ای دیگر از تعاریف روایت ها را سازه های تحلیلی می‌دانند که تعدادی از کنش ها و وقایع مربوط به گذشته و یا زمان حال را که در شرایط دیگر گسسته و نامربوط تلقی می‌شوند در حول یک کلیت منسجم و مرتبط پیوند می‌دهد. این کلیت ارتباطی به هر یک از عناصر داستان معنا بخشیده و آن را تبیین می‌کند و در همان حال توسط آن ها شکل می‌گیرد (گریفین، ۱۹۹۳: ۱۹).

استنفورد در بحث امکان یا امتناع «عینیت در تاریخ» از تمثیل «ترسیم نقشه جغرافیایی» کمک می‌گیرد. او می‌گوید: «نمی‌توان نقشه‌ای تهیه کرد که به بزرگی منطقه جغرافیایی باشد. هم‌زمان با کاهش تدریجی مقیاس، موارد بیشتر و بیشتری حذف می‌شوند» مورخ نیز باید اوضاع و شرایط پیچیده و انواع رویدادهای در هم تنیده را در قالب شمار اندکی از واژه‌ها یا جملات روایت کند، در

نتیجه پای مؤلفه‌های دیگری چون ذهنیت و بینش راوی/ مورخ و مآلا «اهمیت و توجه» او به میان می‌آید. از همین جاست که روایت کردن به روایت‌سازی بدل می‌شود.

مروری بر تعاریف متنوع ارائه شده از روایت‌ها، تأثیر پذیری آن‌ها را از تعریف کلاسیک لایبو، زبان‌شناس مشهور روسی نشان می‌دهد. لایبوف روایت را روشی برای گفتگوی مجدد در خصوص تجارب گذشته از طریق منطبق ساختن توالی شفاهی از قضایا با ترتیب وقایع آنچنان که استنباط می‌شود عملاً اتفاق افتاده است، می‌داند.

۲-۳-۲- کارکرد روایت‌ها

رایزمن^۱ (۲۰۰۸) می‌گوید که روایت‌ها می‌توانند به دلایل اجتماعی، سیاسی و یا درمانی به کار گرفته شوند. روایت‌ها کارکرد گویایی را به وسیله‌ی اطلاع دادن، سرگرم کردن، ترغیب کردن، پیش‌بینی کردن و کنترل کردن فراهم می‌کنند. برای پیش بردن یک موضوع سیاسی یا اجتماعی با بیشترین قدرت، روایت‌ها سودمند هستند. روایت‌ها استراتژیک، کارکردی و هدفمندند. تولان، ویژگی‌های روایت را شامل موارد زیر می‌داند:

۱. شکل‌گیری (برساخته شدن) روایت؛
۲. هر روایتی دارای وجوه و میزان خاصی از یک ساختار اولیه (پیش‌برساختگی) است؛
۳. بیشتر روایت‌ها دارای خط سیر هستند؛
۴. روایت دارای گوینده است؛
۵. تغییر وضعیت یا جابه‌جایی یا گشتار؛
۶. روایت مستلزم یادآوری رخدادهایی است که از نظر زمانی و مکانی از دسترس گوینده و مخاطبانش دور است (تولان به نقل از طلوعی و خالق پناه، ۱۳۸۷: ۸۱).

مزیت دیگر روایت‌ها ماهیت فرایندی آن‌هاست. بسیاری از محققین جامعه‌شناس و روان‌شناس چنین ویژگی را ضرورت اساسی برای بسیاری از تحلیل‌های اجتماعی بر می‌شمارند. تأکید بر زمان مند بودن کنش اجتماعی امکان دستیابی به دانش عمیق نظری را در خصوص تعامل متقابل شکل دهنده‌ی عاملیت و ساختار اجتماعی که دینامیسم آن کاملاً وابسته به زمان است فراهم می‌سازد. به بیان دیگر رویدادها نقاط دسترسی ما به ساخت ذهنی محسوب می‌شوند و از طریق آن‌هاست که امکان توصیف، بازسازی و درک آن را پیدا می‌کنیم (گریفین،^۳ ۱۹۹۳: ۳۲).

۲-۳-۳- تحلیل روایت

مون‌هال^۴ (۲۰۱۰) تحلیل روایت را چنین تعریف می‌کند: «تحلیل روایتی، نوعی از پژوهش کیفی است که مجموعه‌ای از داستان‌ها را به‌عنوان منبع داده‌های خود بر می‌گزیند. این داستان‌ها، روایتی

^۱Reissman
^۲processual
^۳Griffin
^۴Munhall

از تجارب زندگی مردم است که توسط آن‌ها در مورد خودشان و یا به واسطه دیگران در مورد افرادی دیگر نقل می‌شود؛ اما تحقیق روایتی، تنها مفاهیمی را که افراد به تجاربشان می‌دهند و یا روشی را که مردم از طریق آن، قصه زندگیشان را بیان می‌کنند، کشف نمی‌کند، بلکه این نکته را روشن می‌سازد که چگونه، زبان، بازگوکننده و بازتابی از دنیای اجتماعی آدم‌هاست و هویت اجتماعی و شخصی آن‌ها را نیز شکل می‌دهد. داستان‌ها گاه به شکلی آگاهانه و اغلب به صورت ناخودآگاه، مفاهیم، تعهدات، باورهای غالب و ارزش‌های زمانی و مکانی را از محلی که فرد در آنجا زندگی کرده و هویتش شکل گرفته، آشکار می‌سازند».

روایت‌ها تاریخ سوژه‌ها و بیانگر غنا و فقر احساسات، اندیشه‌ها و تجربه‌های انسانی هستند. آن‌ها آشکارکننده معایب و مزایا هستند، به خلق هویت و واقعیت اجتماعی کمک می‌کنند و حتی باعث دگرگونی می‌شوند و به این دلیل روایت‌ها بررسی می‌شوند که ساختارهای ایجاد معنا هستند (طلوعی و خالق پناه، ۱۳۸۷: ۵۰). به عقیده رایزن^۱ (۲۰۰۱)، داستان‌های زندگی افراد، پنجره‌ای را به سوی زندگی کسانی می‌گشاید که با فشارهای محیط اطرافشان روبرو شده‌اند و زمینه‌ای را برای بحث در مورد موضوعات پژوهشی در این زمینه فراهم می‌سازد، به ویژه در زمینه مسائلی که از نظر اخلاقی مورد بحث است.

میشلر^۲ (۱۹۸۶)، یکی از متفکرینی است که نقش قابل توجهی در کاربرد روش روایتی یا به عبارتی استخراج روایت از مصاحبه داشته، در توضیح اینکه چرا ما از روایت استفاده می‌کنیم، معتقد است که افراد تمایل دارند که واقعیت را در وجه روایی آن تعریف کنند، آن‌ها بالقوه در تعریف آنچه برایشان رخ داده آن را به شکل داستان، نقل می‌کنند.

پژوهشگران روایتی، به ساختار یک روایت و عناصر ساختاری آن علاقه مند هستند. به صورت یک قاعده کلی، یک روایت، داستانی است که بر اساس یک خط زمانی و براساس شرح وقایع به ترتیب زمان نقل می‌شود. داستان که خود متشکل از توالی تقویمی رویدادهاست، ماده‌ی خام روایت را تشکیل می‌دهد (تولان،^۳ ۱۳۸۳: ۸۹).

^۱Riesman
^۲Mishler
^۳Toolan